

انیمیشن شبکه یک سیما در مورد فاجعه شازند

و تلاش برای پنهان کردن چهره عاملان اصلی این فاجعه

سلام شیخی

یکشنبه بیست دوم دی ۱۳۸۷

در تاریخ دهم دی ماه، شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی انیمیشنی در رابطه با سونامی جنایت آمیز شازند اراک پخش کرد که در این انیمیشن تمام این فاجعه را به سهل انگاری و رعایت نکردن اصول ایمنی از جانب کارگر به تصویر کشیده است. به همین خاطر من به عنوان یکی از سه اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که در محل فاجعه برای تهیه گزارش و دیدار و همدردی با خانواده های کارگران جانباخته رفته بودم می خواهم این وارونگی انعکاس فاجعه شازند را بصورت واقعی برگردانده و بازگو نمایم و ماهیت کاذب این انیمیشن از طرف صدا و سیما را برملا کنم.

فاجعه انفجار شازند و جانباختن سی و چهار نفر کارگر در خردادماه ۸۷ در کارخانه کیمیاگران امروز واقع در شهرک شهید بابایی بازنه واقع در شازند (سی و سه کیلومتری اراک) هر انسان منصف و دلسوزی را وادار به تعمق می کند و صدا و سیما جان سپردن کارگران را به سهل انگاری و رعایت نکردن اصول ایمنی از سوی کارگران نسبت می دهد و واقعیت این است نبود یک واحد ایمنی کارآمد در این کارخانه و حتی کارخانه های شهرک بابایی خود نشانی از بی مسئولیتی و بی توجهی مطلق نسبت به سلامتی کارگران و ایمنی محیط کار است و خود سرمایه داران سودجو بانی به وجود آمدن چنین جهنمی برای کارگر است.

در جامعه ایران کارگر فقط از دید کالایی و پروسه تولید برای سودآوری معنی پیدا می کند و خصلت انسانی کارگر برای سود سرمایه هیچ معنی ندارد. این کارخانه فاقد واحد ایمنی بوده و در این رابطه نه تنها مسئولین کارخانه زیر سوال می روند بلکه پای اداره کار هم به عنوان یک گناه کار که وظیفه اش را به جا نیاورده و به موقع گروه بازرسی ایمنی به کارخانه نفرستاده است به وسط کشیده می شود.

چون اداره کار موظف است تیمی بازرسی برای بازرسی از ایمنی و محیط کار به کارخانجات بفرستد و هر چندماه روند ایمنی محیط ایمن را از فیلتر بازرسی بگذرانند و کارخانجاتی که فاقد واحد ایمنی و بهداشت هستند را مجبور سازد این واحد را سازمان داده و از آنها بیلان کاری درخواست نماید. چطور هر ساله این همه مأمور را در سراسر کشور برای ممیزی می فرستند به خاطر سودخواهی. ولی برای ایمن سازی محیط کار حاضر نیستند هزینه ای صرف کنند.

فاجعه شازند تمامی گناهایش به کارفرما و دولت بر می گردد. چرا؟

طبق نمایش صدا و سیما یک کارگر بر بالای مخازن مشغول جوشکاری بوده و این حادثه رخ داده است. در حالیکه با پرس و جو و صحبت با کارگران خود کارخانه معلوم می شود که اصلاً هیچ جوشکاری انجام نشده و حتی دستگاه جوشی هم در اطراف مشاهده نشده است. ولی اگر فرض کنیم جوشکاری بروی مخازن انجام شده است آیا مسئولین

کارخانه از خالی بودن و ایمنی این مخازن مطلع بوده اند؟ و یا نکند کارگر جوشکار مسئول ایمنی هم بوده است؟! آیا زحمت این را به خود داده اند که در این مورد ایمن سازی کامل را انجام دهند و پس از فرم درخواست کار مراحل ایمنی و اداری اش را طی نماید تا کارگر کار خود را شروع کند؟

مسئله نه. چون به گفته کارگران حاضر در کارخانه این انفجار به دلیل فرسودگی شیرآلات مخازن که حاوی مواد شیمیایی و الکل بوده اند و هرچند وقت یکبار پر می شده اند و سپس توی مخازن دیگری می رفتند تا برای کار آماده شود و همچنین شیرهای بین مخازن بصورت مرتب کنترل نمی شده اند و به علت فرسودگی لوله ها گاز نشت کرده و فشار آن به حدی بوده که باعث به حرکت درآمدن تانکرها شده (به گفته کارگران) و این تانکر با تابلوهای برق برخورد می کنند و این انفجار رخ می دهد. در هنگام بروز این فاجعه این شهرک فاقد امکانات اطفاء حریق بوده و حتی خود کارخانه کیمیاگران امروز با این همه مواد شیمیایی آتش را فقط شامل سه کپسول آتش نشانی بوده که ماه ها کنترل نشده بوده اند و ماشین آتش نشانی که از شهر خود را به محل رسانده بود به علت خراب بودن شیر مخزن آن ساعتی را وقت تلف می کند تا باز شود و بعداً متوجه می شوند که این ماشین فاقد آب است و دوباره برای پر کردن مخزن به شهر باز می گردد. این حضرات با این ایمنی موجود چه در شهرک و چه در کارخانه های شهرک چه جوابی دارند بدهند؟

و با درست کردن این انیمیشن بر طبل می کوبند و می گویند اول ایمنی بعد کار؟

ایجاد واحد ایمنی در کارخانجات و گذاشتن کلاس های ایمنی اجباری برای کارگران و امکانات ایمنی کافی متناسب با محیط کارخانه یکی از ارکان اولیه اقدامات ایمنی اداره کار و بعداً کارخانه است. پس با این اوصاف می بینیم روابط موجود و حاکم بر کار و قوانین فقط تولید حداکثر سودآوری را می بینند و از رفاه، بهداشت، ایمنی کار و مهمتر از همه حفظ جان کارگران در حاشیه ای ترین قسمت معادله دیده می شود و هیچ شخصیت و جایگاه و احترام و امنیتی برای کارگران قائل نیستند. کارگر با دستمزد زیر خط فقر کار می کند، کمبود می بیند، گرسنگی می کشد و حقوقش را نمی دهند و در آخر همه، با از دست دادن جانش در مسلخ سود و سرمایه قربانی می شود.

کشته شدن ۵۰ کارگر پروژه سدسازی کارون در عسلویه – انفجار معدن در باب نیز و کشته شدن ۱۱ معدن کار – جانباختن ۱۸ کارگر ساختمانی در شیراز در دوماه اول سال ۸۷ – آوار سعادت آباد تهران کشته شدن ۲۰ کارگر – انفجار کارخانه گاز محمد شهر کرج و کشته شدن ۱۵ کارگر – جانباختن ۵ کارگر در چاهی در یاسوج و اینها همگی آماري است از قربانیان سود و سرمایه و مطمئناً تمامی این جنایات ها قابل پیشگیری بوده اند و شاید هم بارها از طرف کارگران به کارفرما و مسئولین اداره کار گوشزد شده است و اظهار کرده اند محیط کار ناامنی دارند ولی گوش شنوا؟ اگر تنها بخش کوچکی از چپاول و غارت دسترنج کارگران را صرف ایمنی محیط کار می کردند شاید الان شاهد حوادثی چنین دلخراش و در ابعادی چنین وحشتناک نبودیم. در ایران هر اعتراضی از جانب کارگر جرم تلقی می شود، شلاق می خورد، از طرف حاکمیت سرکوب می شود و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری مارک سیاسی و اقدام علیه امنیت ملی خوانده خورده میشود. آیا باز هم می شود گفت حوادث محیط کار یا باید گفت قتل عمد؟

در رابطه بین کار و سرمایه کارگران همیشه به طور جدی به سلامتی خود و ایمنی محیط و بقای خودشان برای

استمرار امرار معاش و بقای خانواده هایشان بها می دهند و فکر می کنند. پس نتیجه می گیریم نه تنها سرمایه و دولت برای ایمن سازی محیط کار فکری نمی کنند بلکه با دیدی که دولت و سرمایه داران از کارگران و مطالبات و اعتراضات آنان دارند یک فضای غیر قابل تحملی ایجاد کرده اند که هیچ حقی برای کارگر حتی برای حفظ جاننش قائل نیستند.

زنده باد همبستگی کارگری

سلام شیخی

مورخه ۸۷/۱۰/۱۹

اتحادیه آزاد کارگران ایران

www.ettehadeh.com

k.ekhraji@gmail.com

فاکس: ۰۲۱۴۴۵۱۴۷۹۵